



A Comparative Study of the Fiduciary Duty of Corporate Directors in Light of the Corporate Opportunity Doctrine under Iranian, English and American Law

ARTICLE INFO


DOI:10.48311/clr.2025.101692.0

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Hosein Simaei Sarraf 
ORCID: <https://0009-0001-9955-1675>

² Mostafa Hasanraeisi 
ORCID: <https://0000-0001-9991-5881>

Affiliation:

¹ Associate Professor in Private Law,
Faculty of Law, Shahid Beheshti
University, Tehran, Iran

² Ph.D. Candidate in Private Law,
Faculty of Law, Shahid Beheshti
University, Tehran, Iran

Correspondence:

Email: mhraeisi04@gmail.com

Article History:

Received: 2025/08/21

Received in Revised form: 2025/10/23

Accepted: 2025/11/09

Abstract

One of the most important functions of corporate governance rules in any legal system is to ensure the shareholders' maximum benefit from the company's assets and business opportunities. The purpose of this article is to examine the extent of convergence and divergence between the Iranian legal system's Provisions and the accepted rules of English and American legal systems regarding the effects and implications of directors' fiduciary duties and the corporate opportunity doctrine. This study adopts an analytical-descriptive approach and relies on library-based research to pursue this objective. In developed legal systems such as those of England and the United States, various regulations and doctrines have been established to guarantee this goal. Among the most significant are the rules concerning directors' fiduciary duties and the corporate opportunity doctrine, under which corporate directors, as trustees of shareholders and the company, are obliged to observe care and skill, loyalty, good faith, disclosure of information, and the reasonable effort to secure benefits for the company under their management. In Iranian law as well, by considering the foundations related to fiduciary possession (trust possession) and the nature of the relationship between directors and the company and its business opportunities, one may argue that directors' control over imminent corporate opportunities is fiduciary in nature. Consequently, company directors are liable for compensating damages arising from the usurpation of such opportunities.

Keywords: Fiduciary Duties, Fiduciary Possession, Corporate Director, Corporate Opportunity Doctrine, Civil Liability Legislation, Level 4 Autonomous Self-Driving Cars (Vehicles), Responsibility Sharing, Event Data Recorder (EDR), Intelligent Transportation Development (IDR)





مطالعه تطبیقی آثار ید امانی مدیران شرکتهای تجاری در پرتو نظریه منع تصاحب فرصت‌های متعلق به شرکت در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا

حسین سیمایی صراف^۱، مصطفی حسن رئیسی^{۲*}

۱. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین کارکردهای قواعد حاکمیت شرکتی در هر نظام حقوقی، تضمین بهره‌مندی حداکثری سهامداران شرکت از اموال و فرصت‌های پیش روی شرکت است. هدف این مقاله بررسی میزان همگرایی و واگرایی مقررات نظام حقوقی ایران با قواعد پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی انگلستان و آمریکا در خصوص آثار و مقتضیات وظایف امانی مدیران و نظریه منع تصاحب فرصت‌های متعلق به شرکت است که با روش تحلیلی-توصیفی و با شیوه تحقیق کتابخانه‌ای در پی واکاوی این هدف برآمده است. در نظام حقوقی کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون انگلیس و آمریکا مدیران شرکتهای تجاری به عنوان اماناء سهامداران و شرکت، متعهد به رعایت مراقبت و مهارت، وفاداری، حسن نیت، افشای اطلاعات و تلاش

Email: mhraisi04@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



متعارف در راستای جلب منافع برای شرکت تحت مدیریت هستند. در حقوق ایران نیز می‌توان از توجه به مبانی مرتبط با ید امانی، ماهیت رابطه مدیر با شرکت و مقررات موجود، قائل به امانی بودن ید مدیر شرکت نسبت به اموال و فرصت‌های شرکت شده و ضمن قائل شدن به تکالیف موجود در نظام‌های مورد مطالعه برای مدیران شرکت، ایشان را مسئول جبران زیان‌های ناشی از تصاحب این فرصت‌ها و استرداد منافع نامشروع مکتسبه دانست.

واژگان کلیدی: وظایف امانی، ید امانی، مدیر شرکت، نظریه فرصت‌های شرکتی، مسئولیت مدنی

۱. مقدمه

امروزه سرعت تحولات تجاری و رقابت شدیدی که میان رقبای تجاری در داخل و خارج از مرزها در تصاحب بازارها و موقعیت‌های سودآور وجود دارد، به قدری زیاد است که گه‌گاه مبالغ کلانی جهت شناسایی و استفاده از این فرصت‌ها صرف می‌شود. به عبارتی امکان بالقوه کسب درآمد و سود و تصاحب سریع‌تر این امکان، به قدری اهمیت پیدا کرده که محققین و نویسندگان حقوقی را بر آن داشته که فرصت‌های پیش روی شرکت‌ها را جزو دارایی ایشان تلقی نموده و در پی تدوین قواعدی جهت شناسایی این فرصت‌ها به عنوان اموال شرکت برآمده‌اند (Bainbridge, 2020: 230). بدیهی است که صرف امکان بالقوه کسب سود و منفعت، به جهت فاصله زیاد تا مرحله تحقق و فعلیت، نمی‌تواند مبنایی برای مسئولیت اشخاص دیگری که زودتر به استفاده از آن امکان می‌پردازند، باشد اما زمانی که این فرصت و امکان در راستای فعالیت‌های شرکت تجاری ایجاد شده و ناشی از منابع و اطلاعات متعلق به شرکت تجاری باشد، احکام مرتبط با آن متفاوت خواهد بود؛ چرا که در اغلب شرکت‌های بزرگ، به جهت تفاوت میان مالکیت و مدیریت شرکت و تعارض منافی که بین مدیران و سهامداران وجود دارد، این امکان وجود دارد که مدیران شرکت، به جای طرح و عملیاتی نمودن آن فرصت در شرکت تحت مدیریت خود، فرصت پیش‌آمده در جهت کسب سود و منفعت را به نفع خود یا اشخاص ثالث مرتبط با خود تصاحب کرده و باعث ورود زیان به شرکت تحت مدیریت یا از دست رفتن منافع متعلق به آن شود.



اهمیت مسئله فوق به قدری زیاد بوده که از حدود صد سال پیش در حقوق کامن‌لا با توجه به وظایف امانت‌داری مدیران^۱، مبانی نظریه‌ای مستقل با عنوان «نظریه فرصت‌های شرکتی»^۲ شکل‌گرفته و در پرونده‌ها و دعاوی متعددی مورد استناد و توجه قضات قرار گرفته است. همچنین طی دو دهه گذشته در متون قانونی کشورهای دارای نظام حقوقی حقوق مدنی (Civil law) همچون آلمان و فرانسه نیز مواد مرتبطی درج و تدوین شده است.

۱-۱. تبیین مسئله

به عنوان مثال اگر مدیر یک شرکت فعال در زمینه صادرات محصولات نفتی، در مکالمه با یکی از مشتریان قدیمی، متوجه می‌شود که شرکت مشتری، به دنبال خرید یک محصول جدید است. حال به جای اینکه مدیر، این فرصت پیش‌آمده را در هیئت‌مدیره مطرح کرده و به دنبال اجرای آن در شرکت باشد، خودش با تأسیس شرکت یا به وسیله شرکت یکی از دوستان نزدیکش، این محصول را تهیه کرده و به شرکت خریدار بفروشد و از این رهگذر سود خوبی عاید وی شود، در این صورت اگر سهامداران شرکت از این اقدام مدیر مطلع شوند، آیا می‌توانند مدعی شوند سودهای حاصل از معامله مدیر، متعلق به شرکت بوده و باید به شرکت مسترد شود؟

پاسخ به سؤال فوق بر اساس نظریه فرصت‌های شرکتی و وظایف امانی مدیران در کشورهای تحت نظام حقوقی کامن‌لا و پذیرندگان نظریه^۳ مثبت است و بسیاری از خسارات حادث‌شده از مدیر متخلف قابل مطالبه است. دلیل اصلی چنین امکانی، تعهدات ناشی از رابطه امانی میان مدیر و شرکت و سهامداران است؛ به عبارتی عرف حقوقی، چنین برداشتی داشته که

1. Fiduciary Duties

2. Corporation Opportunity Doctrine

گرچه ترجمه عنوان این نظریه به لحاظ لغوی و دستور زبانی به عبارت «نظریه فرصت‌های شرکتی» صحیح‌تر است اما از آنجایی که ترجمه فارسی این عبارت سابقه چندانی در ادبیات مباحث حقوقی نداشته و از طرفی اهمیت معنای اصطلاحی آن در انتقال معنا بیشتر از معنای لغوی است، به علت عدم وجود ادبیات حقوقی تثبیت شده و غرابت معنای لغوی میان اهل فن، گه‌گاه از معادل «نظریه منع تصاحب فرصت‌های متعلق به شرکت» استفاده شده است.

۳. از این به بعد هر جا کلمه «نظریه» به طور مطلق به کار رود، منظور نظریه فرصت‌های شرکتی (منع تصاحب فرصت‌های متعلق به شرکت) است.



اقتضای رابطه امانی میان مدیر و شرکت، لزوم رعایت وظایف متعددی است که از جمله آن‌ها، عدم استفاده از فرصت‌های شرکت به نفع شخص مدیر است.

اما آیا در نظام حقوقی ما نیز این قبیل سودهای از دست رفته و زیان‌های وارده به شرکت از سوی شرکت یا سهامداران قابل مطالبه است؟ آیا اساساً ید مدیران شرکت نسبت به فرصت‌های پیش روی شرکت، ید امانی محسوب می‌شود؟ آیا می‌توان گفت مدیران شرکت به عنوان اماناء شرکت وظیفه دارند که بیشترین منافع ممکن برای شرکت را تحصیل نموده و از تصاحب فرصت‌های پیش روی شرکت خودداری ورزند؟

فرضیه ما در این پژوهش این است که ید مدیران شرکت نسبت به کلیه اموال و فرصت‌های متعلق به شرکت، امانی بوده و همچون سایر کشورهای مورد مطالعه، از جمله مهم‌ترین آثار امانی بودن ید ایشان، لزوم پرهیز از تصاحب فرصت‌های پیش روی شرکت به نفع خویش است. لذا کوشیده‌ایم به روش تحلیلی - تطبیقی با تحلیل مبانی مربوط به شکل‌گیری ید امانی و وظایف ناشی از آن، فرضیه موجود را اثبات نماییم.

در ادامه پس از تعریف مفاهیم وظایف امانی و فرصت‌های شرکتی و احصای مهم‌ترین مصادیق آن‌ها در نظام حقوقی کامن‌لا به بررسی آثار ناشی از این وظایف، به ویژه منع تصاحب فرصت‌های متعلق به شرکت پرداخته و پس از مرور اجمالی بر پیشینه و نحوه شکل‌گیری نظریه فرصت‌های شرکتی، به تحلیل مبانی مرتبط با امانی بودن ید مدیران در ایران و آثار آن در رابطه با نظریه و لزوم پرهیز از تصاحب فرصت‌های متعلق به شرکت خواهیم پرداخت.

۲. تبیین مفهوم و مصادیق وظایف امانی و فرصت‌های شرکتی در کامن‌لا

۱-۲. تعریف وظایف امانی

در کامن‌لا، رابطه امانی (fiduciary relationship) به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که در آن یکی از طرفین موظف است با نهایت وفاداری، صداقت و حسن نیت به نفع طرف دیگر عمل کند و منافع خود را کنار بگذارد (جنیدی و اکبریان طبری، ۱۳۹۷:۷۵). این رابطه مبتنی بر اعتماد خاص میان طرفین است. این معنا مطابق معنای لغوی fiduciary بوده که به معنی شخص امین و قابل اعتماد



است (Henry, 1891: 564). رابطه امانی از نگاه برخی نویسندگان، رابطه‌ای قانونی است که بر اساس آن امین، ملزم به حفظ منافع اصیل با توجه به حدود اختیارات اعطاشده می‌باشد، بدون اینکه منحصر در مورد خاصی باشد و برخی از مهم‌ترین مصادیق آن عبارتند از: رابطه وکیل با موکل، تراستی با ذینفع، کارمند با کارفرما، نماینده با اصیل و مدیر با شرکت و سهامداران (French & Christopher, 2011: 57). برخی نیز انواع و دسته‌بندی‌هایی برای آن قائل شده‌اند و آن را به امانت قانونی - مثل رابطه مدیر با سهامداران - امانت قراردادی - مثل رابطه وکیل و موکل - و امانت قضایی - مثل رابطه ذینفع و متولی (تراستی) تقسیم نموده‌اند (Smith, 2002, 1413).

۲-۲. تعریف فرصت‌های شرکتی

از آنجایی که «فرصت» به عنوان مفهومی که ماهیت عرفی داشته و به اقتضای شرایط و عرف حقوقی و اقتصادی هر کشور می‌تواند متفاوت باشد، نمی‌توان تعریف مشخصی از آن ارائه نمود و بیشتر با توجه به مصادیق آن در هر نظام حقوقی می‌توان به مفهومی کلی از آن رسید، با این حال دکترین حقوقی و قانون‌گذاران در برخی کشورها، با توجه به همین مصادیق، تعاریفی ارائه نموده‌اند. در تعریف موسسه حقوق آمریکایی که می‌توان آن را به عنوان تعریفی جامع پذیرفت، فرصت عبارتست از هر گونه امکان سودآوری یا منفعت اقتصادی و سرمایه‌گذاری است که در نتیجه فعالیت‌ها یا موقعیت شرکت ایجاد شده باشد و شرکت قادر به بهره‌برداری از آن باشد.^۴ اما تعریف «فرصت» در قانون شرکت‌های انگلیس مصوب ۲۰۰۶ کمی متفاوت است و امکان یا عدم امکان بهره‌برداری شرکت از این فرصت‌ها، در تعریف آن نقشی نداشته و حتی اگر شرکت نتواند به دلایل اقتصادی و مالی از آن فرصت بهره‌برداری کند، مدیر شرکت حق تصاحب آن فرصت برای خود را ندارد.^۵

4. American Law Institute, Principles of Corporate Governance 1994, §5.05 (A corporate opportunity includes a business prospect, investment, or other opportunity in the line of the corporation's business, which the corporation is financially able to undertake)

5. Companies Act 2006 (UK) Section 175 – Duty to avoid conflicts of interest, ss 2



بر خلاف نظر برخی نویسندگان ایرانی (مقدم، ۱۳۹۹: ۸۱۸) در نظریه «فرصت‌های شرکتی» منظور از فرصت‌های شرکتی، فقط فرصت بستن قرارداد نیست، بلکه همان‌گونه که اشاره شد، مفهومی گسترده‌تر دارد که انعقاد قرارداد، نتیجه بهره‌برداری از برخی از این فرصت‌ها خواهد بود و با خود فرصت متفاوت است.

۲-۳. مصادیق وظایف امانی

رابطه امانی میان شرکت و مدیران آن، وظایف متعددی را برای مدیران به دنبال خواهد داشت که می‌توان در چهار دسته‌بندی کلی به آن‌ها اشاره کرد؛ تعهد به مراقبت و مهارت، رعایت وفاداری، تعهد به عمل بر اساس حسن نیت و تعهد به افشای اطلاعات در برابر شرکت که هر یک از آن‌ها را به طور اجمالی در ادامه بررسی می‌کنیم.

۲-۳-۱. تعهد به مراقبت و مهارت^۶

مدیران شرکت باید دانش، توانایی و مهارت کافی جهت اداره شرکت داشته باشند (William, 2005: 18). همچنین موظفند تمام اطلاعات تجاری لازم جهت اداره شرکت را تحصیل و زمانی کافی را برای ارزیابی آن اختصاص دهند و نظرات کارشناسان و متخصصان هر رشته را لحاظ و پس از طرح فرضیات مختلف، با درک صحیحی از شرایط مالی، تصمیمات سنجیده اتخاذ کنند (Cheryl, 2012: 758).

۲-۳-۲. تعهد به وفاداری^۷

بر اساس این وظیفه امانی، مدیران باید بر اساس حسن نیت، در جهت تحصیل بهترین منافع برای شرکت و سهامداران عمل کنند؛ به گونه‌ای که از رقابت با شرکت که منجر به تعارض منافع می‌شود، خودداری ورزند و هیچ‌گونه انتفاع شخصی از اموال و دارایی و

6. Duty to Care

7. Loyalty



فرصت‌های شرکت به نفع خود نداشته باشند. به عبارتی وظایف ناشی از وفاداری به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ پرهیز از نفع شخصی مدیران در قرارداد با شرکت، عدم رقابت مدیران با شرکت و منع تصاحب فرصت‌ها و اطلاعات متعلق به شرکت (Anabtawi, 2006: 9).

۲-۳-۳. رعایت حسن نیت^۸

فارغ از تعاریف مختلفی که برای حسن نیت بیان شده و دشواری‌هایی که در تعریف آن وجود دارد، به‌طور کلی می‌توان گفت منظور از عمل بر مبنای حسن نیت در برابر شرکت، اعتقاد محکم مدیراست، مبنی بر اینکه تصمیمات اتخاذشده از سوی وی در راستای مدیریت شرکت، بدون قصد کلاهبرداری یا سوءاستفاده به صورت معقول و منطقی در هر شرایطی در جهت تحصیل بهترین منافع برای شرکت بوده است (Foerster, 2008: 22).

۲-۳-۴. تعهد به افشای اطلاعات^۹

مدیران مکلف‌اند اطلاعاتی را که در نتیجه موقعیت شغلی خود به دست می‌آورند، در جهت منافع شرکت افشا کنند و از پنهان‌سازی آن به قصد تحصیل منافع شخصی خودداری نمایند (Foerster, 2008: 31).

۲-۴. مصادیق فرصت‌های شرکتی

فرصت انعقاد یک قرارداد، سرمایه‌گذاری در کسب‌وکاری جدید یا توسعه کسب‌وکار فعلی، خرید سهام شرکت رقیب و بسیاری از رفتارهای دیگر، از مصادیق فرصت‌های متعلق به شرکت هستند که مدیر به واسطه جایگاه و موقعیت خود در شرکت، پیش از دیگران از آن مطلع شده و امکان تصاحب آن‌ها به سود خود را خواهد داشت. لذا گرچه احصای کامل مصادیق فرصت‌های متعلق به شرکت ممکن نیست اما با استقراء در پرونده‌های مختلف حقوقی، می‌توان مهم‌ترین مصادیق آن را تشخیص و معیارهایی برای شناسایی این فرصت‌ها به دست داد (Bainbridge,)

8. Duty of Good faith

9. Duty to Disclosure



(2008, 17).

۲-۴-۱. مدیر با استفاده از اطلاعات (هر داده‌ای که در نتیجه عملیات شرکت تحصیل شده باشد) و منابع مالی شرکت، اقدام به تحصیل منافع برای خود یا اشخاص ثالث (هر شخصی غیر از شرکت) نماید.

۲-۴-۲. مدیر بدون استفاده از اطلاعات و منابع مالی شرکت، در کسب و کار مشابه با شرکت، اقدام به تحصیل منافع برای خود یا اشخاص ثالث نماید.

۲-۴-۳. مدیر با استفاده از اطلاعات شرکت و منابع مالی خودش، اقدام به تحصیل منافع برای اشخاص ثالث می‌نماید.

۲-۴-۴. مدیر بدون استفاده از اطلاعات شرکت و با استفاده از منابع مالی شرکت، اقدام به تحصیل منافع برای خود و اشخاص ثالث نماید.

از توجه به شقوق فوق چنین برمی‌آید که اگر هیچ استفاده‌ای از اطلاعات یا منابع مالی شرکت نشود و فعالیت مدیر در کسب و کار مشابه شرکت نباشد، مدیر، مسئولیتی در برابر شرکت نخواهد داشت یا به عبارت بهتر خسارتی به شرکت وارد نشده است تا مستلزم جبران باشد؛ اما زمانی که اطلاعات یا منابع مالی شرکت در جهت کسب سود و منفعت به کار رود، فرض بر این گذاشته می‌شود که منافع حاصله متعلق به شرکت است مگر اینکه مدیر بتواند خلاف آن را اثبات کرده یا از سایر معافیت‌ها برخوردار باشد (Rauterberg & Talley, 2017: 1103).

۳. پیشینه و مبانی نظریه منع تصاحب فرصت‌های متعلق به شرکت در آمریکا و انگلستان

تا کنون مشخص گردید که نظریه فرصت‌های شرکتی یکی از شقوق وظایف امانی و نظریات مرتبط با آن در حقوق شرکت‌های تجاری است و مبنای شکل‌گیری این نظریه در حقوق کامن‌لا، لزوم رعایت وظایف ناشی از رابطه امانی مدیر با شرکت و سهامداران است. از این رو در ادامه به منظور تسهیل مطالعه تطبیقی، سیر شکل‌گیری و تکامل نظریه در حقوق انگلستان و آمریکا را به طور اجمالی بررسی می‌کنیم. در این گفتار با توجه به رویه شکل‌گیری یک نظریه در حقوق



کامن‌لا که عبارت است از: الف) بروز مسئله جدید، ب) رأی نوآورانه قضات عالی ج) توسعه از طریق رویه قضایی د) تحلیل نظری و آکادمیک ه) نهادینه شدن دکترین و) تقنین یا نسخ نظریه (Simpson, 1987: 248)، به بررسی پیشینه و مبانی نظریه در حقوق انگلستان و آمریکا خواهیم پرداخت.

۳-۱. پیشینه در حقوق انگلستان

در انگلستان این نظریه از توجه به وظایف امانت‌داری در رویه قضایی و تطبیق آن با وظایف مدیران شرکت‌ها توسعه یافت، به‌ویژه از طریق آرای دادگاه انصاف^{۱۰} و بعدها دادگاه‌های عالی انگلستان. با این مقدمه، مراحل شکل‌گیری آن به طور خلاصه به شرح ذیل است؛

مرحله ۱) ریشه‌های تاریخی: یکی از اصول کلیدی و کهن در نظام حقوقی انگلستان که ابتدا در قواعد امانت‌داری مربوط به حقوق تراست^{۱۱} شکل گرفت، این اصل است که: «شخصی که در موقعیت امانت‌داری قرار دارد، نباید از موقعیت خود برای سود شخصی استفاده کند.» در همین خصوص یکی از قدیمی‌ترین آرای صادره که به نحو صریح این وظیفه را تبیین می‌کند، رأی صادره در پرونده کیچ علیه سندفورد^{۱۲} است. در این پرونده یک کودک وارث یک قرارداد اجاره^{۱۳} بلندمدت در خصوص بازار رامفورد نزدیک لندن شده بود. آقای سندفورد به عنوان امانت‌دار^{۱۴} مأمور شد تا زمانی که کودک به سن قانونی برسد از این ملک مراقبت کند؛ اما قبل از رسیدن کودک به سن قانونی، مدت اجاره به پایان رسید و به جای اینکه آقای سندفورد ملک را مجدداً برای کودک اجاره کند، آن را برای خودش اجاره نمود. دادگاه گفت: حتی اگر ذی‌نفع^{۱۵} (در این پرونده کودک) قادر به استفاده نباشد، امانت‌دار حق ندارد از این رابطه امانی سود ببرد و منافع خود را در تعارض با منافع ذینفع قرار دهد.

10. Court of Equity

11. Trust Law

12. Keech v. Sandford (1726) 25 ER 223

13. Lease

14. Trustee

15. beneficiary



مرحله ۲) انتقال اصل امانت‌داری به حقوق شرکت‌ها: در قرن ۱۹، با رشد شرکت‌های سهامی، قضات انگلیسی اصل تبیین شده در پرونده کیچ علیه سندفورد را به مدیران شرکت هم تسری دادند. در این دوره نظر غالب قضات بر این بود که مدیر شرکت امین است نه نماینده شرکت.^{۱۶} از جمله پرونده‌های مهم مطروحه در این خصوص پرونده شرکت راه آهن ابردین علیه شرکت برادران بلیک^{۱۷} بود که در آن شرکت ابردین قراردادی با شرکت برادران بلیک منعقد نموده بود و زمانی که به جهت اختلافات در دادگاه بر اساس آن قرارداد دعوایی مطرح شد، شرکت بلیک چنین دفاع کرد که آقای توماس بلیک در هیئت‌مدیره هردو شرکت عضو است و به جهت نقض وظایف امانی و تعارض منافع مدیر با شرکت، شرکت بلیک تعهدی جهت اجرای قرارداد ندارد و قرارداد باطل است. دادگاه گفت: قرارداد منعقد غیرمعتبر بوده و مدیر - حتی اگر قیمت منصفانه تعیین کرده باشد - به دلیل تضاد منافع، مسئول خسارات وارده است. در واقع این رأی، اصل وفاداری مطلق را در روابط مدیر با شرکت تثبیت کرد.

مرحله ۳) ایجاد زمینه دکترین «فرصت شرکتی»: در اوایل قرن ۲۰، قضات انگلیسی به بررسی دقیق‌تر موقعیت‌هایی پرداختند که در آن، مدیر فرصتی سودآور را برای خود تصاحب می‌کند، در حالی که شرکت ممکن بود ذی‌نفع آن باشد. اینجاست که عناصر دکترین فرصت شرکتی آشکار می‌شوند. در معروف‌ترین پرونده مربوط به این برهه (پرونده شرکت رگال علیه گالیور)^{۱۸}، تعدادی از مدیران شرکت گالیور قبل از اخذ رضایت تمام سهامداران، به طور شخصی بخشی از سهام یکی از شرکت‌های تابعه را خریدند و پس از فروش آن سود خوبی به دست آوردند. دادگاه گفت: گرچه شرکت رگال نمی‌توانست کل سهام جدید را بخرد اما چون مدیران از موقعیت‌شان به‌عنوان مدیر سود بردند، باید سود را مسترد کنند، حتی اگر سوءنیتی در کار نباشد. این پرونده شاکله تدوین دکترین فرصت شرکتی در انگلستان شد.

مرحله ۴) توسعه نظری و تحلیل‌های دکترین حقوقی: در راستای استناد قضات دادگاه‌ها به اصول پیش‌گفته، تحلیل‌های حقوقی متنوعی نسبت به این آراء در کتب و مقالات حقوقی به عمل

16. not agent but fiduciary

17. Aberdeen Railway Co v. Blaikie Brothers (1854) 1 Macq 461

18. Regal (Hastings) Ltd v. Gulliver [1942] 1 All ER 378



آمد و در نتیجه آن مبانی نظریه مورد تحلیل و بررسی‌های عمیق قرار گرفت (Jones, 1949: 46).
مرحله ۵) نهادینه‌شدن دکترین با قانون شرکت‌ها^{۱۹}: با تصویب قانون شرکت‌های تجاری در سال ۲۰۰۶ برای اولین بار قواعد مربوط به تعهدات مدیران در خصوص پرهیز از استفاده شخصی از فرصت‌های شرکت وارد قانون مدون شد. به موجب ماده ۱۷۵ این قانون، مدیر موظف است از هر گونه وضعیتی که ممکن است منجر به تضاد منافع با شرکت شود اجتناب کند، از جمله استفاده شخصی از فرصت‌هایی که از طریق سمت مدیریتی او ایجاد شده‌اند.

۲-۳. پیشینه در حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا، مانند انگلستان، مبنای شکل‌گیری دکترین فرصت شرکتی، تعهد وفاداری مدیران به شرکت^{۲۰} است. این اصل ایجاب می‌کند که مدیران به عنوان یک امانت‌دار عمل کنند و منافع شخصی را بر منافع شرکت مقدم ندارند. مراحل تکوین و توسعه نظریه در حقوق آمریکا به طور خلاصه به شرح ذیل است.

مرحله ۱) زمینه تاریخی: والتر سالمون (Salmon) با مینهارد^{۲۱} (Meinhard) یک شرکت مشترک (Joint Venture) برای اجاره و مدیریت هتل بریستول در نیویورک تشکیل دادند. سالمون مدیریت پروژه را بر عهده داشت، در حالی که مینهارد سرمایه‌گذار بود و سودهای حاصل را تقسیم می‌کردند. قرارداد اولیه برای ۲۰ سال با مالک ملک هتل منعقد شده بود. نزدیک به پایان قرارداد، مالک جدید به سالمون پیشنهاد اجاره بلندمدت جدیدی برای ملک قبلی و ملک مجاور را داد. سالمون این فرصت را به صورت مخفیانه و از طریق شرکت شخصی خود (Midpoint Realty) ثبت کرد و مینهارد را در جریان نگذاشت. مینهارد ادعا کرد سالمون با عدم اطلاع‌رسانی، تعهدات امانی خود را نقض کرده است.

دیوان عالی نیویورک حکم داد که سالمون به عنوان مدیر مشترک، موظف بود بالاترین سطح وفاداری را رعایت کند زیرا در ایفای وظایف امانی یک امین نه فقط صداقت، بلکه حساسیت

19. Companies Act 2006

20. fiduciary duty of loyalty

21. Meinhard v. Salmon, 164 N.E. 545 (N.Y. 1928)



شرافتمندانه‌ترین رفتارها معیار است. حتی اگر قرارداد اولیه در حال پایان بود، فرصت تجاری جدید، ناشی از موقعیت سالمون در شرکت مشترک محسوب می‌شد و می‌بایست به مینهارد اطلاع داده می‌شد. دادگاه حکم داد که منافع قرارداد اجاره جدید باید به صورت مشاع و مساوی بین طرفین تقسیم شود. هرچند این رأی مربوط به شراکت است، اما مبنای اخلاقی-حقوقی وظیفه وفاداری را در حقوق آمریکا مستحکم نمود (Hurt, 2023: 199).

مرحله ۲) شناسایی رویه‌ای فرصت شرکتی (پرونده پیشگام): رأی تاریخی از دیوان عالی دلاور در پرونده گاث علیه شرکت لوفت^{۲۲}، اولین ساختار منسجم دکترین فرصت شرکتی را ارائه داد. چارلز گاث رئیس شرکت لوفت، یک تولیدکننده آب نبات و شربت بود که در فروشگاه‌های مخصوص خود، نوشیدنی کولا سرو می‌کرد. این فروشگاه‌ها، شربت کولا را از شرکت کوکاکولا^{۲۳} خریداری می‌کردند، اما گاث فکر کرد که خرید از شرکت پپسی^{۲۴} ممکن است ارزان‌تر باشد، زیرا شرکت کوکاکولا از دادن تخفیف‌های مدنظر گاث به او خودداری کرد. شرکت پپسی قبل از اینکه شرکت لوفت بتواند در مورد تهیه شربت از پپسی وارد مذاکره شود، ورشکست شد. سپس گاث شخصاً شرکت پپسی و دستور شربت آن را با قیمت خوبی خرید. با کمک شیمیدانان و متخصصان شرکت لوفت، او دستور غذا را دوباره فرموله کرده و آن را با قیمت گزافی به شرکت لوفت فروخت. سهامداران شرکت لوفت از او شکایت کردند، آن‌ها ادعا کردند که او وظیفه امانت‌داری خود را در راستای وفاداری به شرکت نقض کرده است، زیرا این فرصت را به شرکت لوفت ارائه نداده و در عوض آن را برای خود اختصاص داده است. دادگاه عالی دلاور و قاضی ارشد دانیل جی. لیتون^{۲۵}، اعلام کرد که گاث با استفاده از فرصتی که شرکت در آن ذینفع بوده و خود شرکت می‌توانست از آن بهره‌برداری کند، وظایف امانت‌داری خود را در قبال شرکت لوفت نقض کرده است. در نتیجه باید منافع حاصله از خرید شرکت پپسی را به شرکت لوفت

22. Delaware case Guth v. Loft, Inc. (1939)

خواهان اصلی و بدوی در این پرونده، شرکت لوفت بود و دلیل اینکه این پرونده به دعوی گاث علیه شرکت لوفت نامگذاری شده این است که آقای گاث تجدیدنظرخواه بوده و در رویه قضایی آمریکا در مرحله تجدیدنظر ابتدا نام تجدیدنظرخواه قید می‌شود.

23. Coca-Cola Company

24. Pepsi company

25. Daniel J. Layton



واگذار نماید (Ying, 2009: 9).

مرحله ۳) توسعه رویه‌ای معیارها در دعاوی بعدی: پس از پرونده فوق، قضات دادگاه‌های عالی به ویژه در ایالت دلاور، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال هر پرونده، معیارهای مختلفی را جهت احراز تعلق فرصت به شرکت مطرح نموده و در تبیین حد و مرز وظایف امانی مدیران تلاش می‌کردند. مثلاً در پرونده دورفی علیه شرکت دورفی و کنینگ در ایالت ماساچوست^{۲۶} دادگاه، معیار منصفانه بودن^{۲۷} را معرفی کرد و بررسی کرد آیا مدیر با افشای کامل فرصت و دریافت موافقت سهامداران، منافع شخصی را دنبال کرده است یا خیر؟ و در نهایت بین فرصت‌هایی که شرکت قادر به بهره‌برداری از آنها بوده و آن‌هایی که خارج از حوزه فعالیت شرکت قرار دارند، تمایز قائل شد.

مرحله ۴) تحلیل و توسعه نظری توسط دکترین حقوقی: از اواسط قرن ۲۰ به بعد، استادان حقوق آمریکا با تأثیرپذیری از مکتب واقع‌گرایی حقوقی، تلاش کردند تا این نظریه را تحلیل نموده و تکمیل کنند تمرکز آن‌ها بر تأثیرات اقتصادی سوءاستفاده از فرصت‌ها، لزوم رسمیت‌بخشی به معیارها و مرزگذاری دقیق بین فرصت شرکتی و فرصت شخصی بود (Cary, 1952: 1325).

مرحله ۵) تقنین در قالب مدل‌های مدون ایالتی: ایالت دلاور که موطن هزاران شرکت بزرگ آمریکایی است، دارای مهم‌ترین و اثرگذارترین رویه قضایی در حوزه فرصت‌های شرکتی است. به همین جهت علاوه بر پرونده‌های زیاد مرتبط با فرصت‌های شرکتی که در این ایالت مطرح می‌شود، در قانون عمومی شرکت‌های تجاری این ایالت^{۲۸} نیز موادی به بحث منع تصاحب فرصت‌های شرکتی اختصاص داده شده و برخی مبانی مرتبط با این نظریه تبیین شده است. یا همان‌طور که قبل‌تر اشاره شد موسسه حقوق آمریکایی^{۲۹} در همکاری با انجمن حقوقدانان آمریکا^{۳۰} یک مدل قانونی در خصوص شرکت‌های تجاری^{۳۱} تدوین نموده است. این قانون تلاش

26. *Durfee v. Durfee & Canning, Inc.* N.E.2d 522 (Mass. 1950)

27. Fairness Test

28. Delaware General Corporation Law - DGCL

29. American Law Institute (ALI)

30. American Bar Association (ABA)

31. Model Business Corporation Act (MBCA)



کرده است نقطه توازن بین مسئولیت وفاداری و نیازهای تجاری مدیران برقرار کند، مثلاً در برخی مواد آمده است که «مدیر می‌تواند از فرصت استفاده کند اگر آن را به هیئت‌مدیره (یا کمیته مستقل) افشا کند و تأیید آگاهانه و بدون تضاد دریافت کند.»

۴. بررسی مبانی و مقررات مرتبط با نظریه و وظایف امانی مدیران شرکت در

حقوق ایران

۴-۱. ماهیت حقوقی رابطه مدیران با شرکت

تعیین ماهیت رابطه حقوقی مدیران با شرکت، در تعیین حقوق و مسئولیت‌های ایشان در برابر شرکت، اثر مستقیم دارد. نویسندگان و دکترین حقوقی در این خصوص نظریات مختلفی ارائه کرده‌اند، برخی مدیر را وکیل سهامداران دانسته (فروچی، ۱۳۷۲: ۱۶۱) و ایشان را امین سهامداران تلقی نموده‌اند (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴: ۱۲۲). برخی دیگر مدیر را وکیل شرکت می‌دانند. عده‌ای با توجه به اینکه مدیران از جانب شرکت نسبت به اعمال حقوق و اختیارات شرکت مبادرت می‌ورزند، ایشان را نماینده قانونی شرکت قلمداد کرده‌اند (کاتبی، ۱۳۶۸: ۸۳). برخی نیز مدیران را رکنی از ارکان شرکت دانسته‌اند؛ چرا که علاوه بر وجود مسئولیت‌های متعدد حقوقی و کیفی برای مدیر، ایشان هر زمان که بخواهند قادر به استعفای از سمت و تعهدات خود نخواهند بود (اسکینی، ۱۳۸۵: ۱۷۸). همچنین مطابق ماده ۵۱ (منسوخ) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و سایر مواد معتبر مرتبط، همان مسئولیتی که وکیل در برابر موکل دارد، برای مدیر شرکت نیز متصور است. فارغ از صحت و سقم تمام نظریات فوق، آنچه مورد اتفاق و پذیرش تمامی نویسندگان حقوقی و لازمه نظریات فوق است، بحث «امانی بودن ید مدیر نسبت به اموال شرکت» است.

۴-۲. آثار و تعهدات ناشی از ید امانی مدیران نسبت به اموال و فرصت‌های شرکت

هم‌راستا با تحلیل فوق‌الذکر، قانون‌گذار ایران نیز در آخرین تحولات تقنینی در لایحه نهایی نشده قانون تجارت مصوب ۱۴۰۳ / ۰۱/۲۸ نسبت به پیش‌بینی رابطه امانی مدیران و کارکنان شرکت با سهامداران و شرکت تصریح نموده و وظایف متعدد ناشی از این رابطه امانی را در ماده ۵۹۸



لایحه مذکور^{۳۲} بیان می‌دارد که در ادامه به طور کامل بررسی خواهند شد. از آنجایی که عام‌ترین و مهم‌ترین اثر امانی بودن ید مدیران در برابر شرکت و سهامداران، مسئولیت ایشان در خصوص زیان‌هایی است که به واسطه تعدی و تفریط نسبت به تکالیف عرفی و قانونی حاصل شده باشد (لطفی، ۱۳۸۴: ۱۱۳) مطابق با قواعد حقوقی، هر فعل یا ترک فعلی که مشمول عنوان تعدی یا تفریط قرار گیرد، می‌تواند به عنوان تخلف مدیر برای وی ایجاد مسئولیت نماید. از آنجایی که تکالیف مذکور در ماده ۵۹۸ لایحه فوق‌الذکر و تبصره آن اقتباسی کامل از مواد ۱۷۱ الی ۱۷۶ قانون شرکت‌های انگلستان بوده و تا حد زیادی با وظایف امانی مدیران شرکت‌ها در حقوق آمریکا نیز انطباق دارد، نسبت به بررسی تطبیقی این تکالیف به عنوان مهم‌ترین آثار ناشی از امانی بودن ید مدیران نسبت به اموال و فرصت‌های متعلق به شرکت و سهامداران خواهیم پرداخت.

۴-۲-۱. بند ۱ تبصره: صرفاً در چارچوب اختیارات خود اقدام کنند؛ در کامن‌لا، مدیر باید در محدوده اختیاراتی که اساسنامه یا قانون به او می‌دهد عمل کند و هرگونه اقدام فراتر از آن (*ultra vires*) نقض وظیفه امانی محسوب می‌شود. لذا ماده ۱۷۱ قانون شرکت‌های انگلیس است

۳۲. ماده ۵۹۸-مدیر یا اعضای هیأت مدیره شرکت در مقابل شرکت و شرکا و یا سهامداران آن امین محسوب می‌شوند و دارای مسئولیت امانی هستند. مدیر یا اعضای هیأت مدیره شرکت جز آنچه که با رعایت احکام این قانون و اساسنامه شرکت دریافت می‌کنند حق هیچ نوع دریافتی دیگری از شرکت ندارند. همچنین کلیه اموال و امتیازاتی که مدیر یا اعضای هیأت مدیره شرکت به مناسبت سمت خود از دیگران دریافت می‌کنند، متعلق به شرکت خواهد بود. این حکم در خصوص کلیه کارکنان شرکت نیز مجرا است. همچنین است در هر مورد که شخصی به نمایندگی از طرف دیگری اقدام می‌کند. تبصره - مسئولیت‌های امانی مدیر یا اعضای هیأت مدیره شرکت به شرح زیر است:

- ۱- صرفاً در چارچوب اختیارات خود اقدام کنند.
- ۲- در کلیه تصمیمات و اقدامات خود غبطه و مصلحت شرکت و شرکا و یا سهامداران را رعایت کنند.
- ۳- به نحو متعارف برای جلب منافع شرکت کوشش کنند و از اموال، حقوق و منافع شرکت مراقبت نمایند.
- ۴- در اقدامات و تصمیمات خود استقلال داشته و بدون تأثیرپذیری یا وابستگی به دیگران اقدام کنند.
- ۵- آن دسته از معاملات اقدامات یا تصمیماتی که خود در آنها نفع شخصی یا تعارض منافع دارند را به صراحت برای سایر ارکان شرکت اعلام و افشا نمایند.
- ۶- از دارایی، اطلاعات یا فرصت‌های شرکت، سوءاستفاده یا بهره برداری شخصی نکنند.
- ۷- در ازای اجرای وظایف و اختیارات مدیریتی خود، از شخص ثالث منفعت، پاداش یا مزایایی دریافت نکنند.



بیان می‌دارد مدیر فقط در حدود اختیارات قانونی و اساسنامه‌ای می‌تواند اقدام کند.^{۳۳}

۴-۲-۲. بند ۲ تبصره: رعایت غبطه و مصلحت شرکت و شرکا؛ در هر دو نظام مورد مطالعه، بر تقدم منافع شرکت بر منافع شخصی مدیر تأکید شده است. در آمریکا این تعهد در قالب وفاداری (Loyalty) و در انگلستان به صورت صریح در ماده ۱۷۲ قانون شرکت‌ها آمده است.^{۳۴}

۴-۲-۳. بند ۳ تبصره: کوشش متعارف برای جلب منافع برای شرکت و مراقبت از اموال آن؛ این بند دقیقاً معادل «وظیفه مراقبت و مهارت» است که دومین وظیفه اساسی مدیران در کامن‌لا محسوب می‌شود که در ماده ۱۷۴ قانون شرکت‌های انگلیس و رویه قضایی آمریکا به آن تصریح شده است.^{۳۵}

۴-۲-۴. بند ۴ تبصره: استقلال در تصمیم‌گیری و عدم تأثیرپذیری از دیگران؛ این بند نیز به روشنی با نظام انگلستان همخوان است. بر اساس ماده ۱۷۳ قانون شرکت‌های انگلیس، مدیر نباید تصمیمات خود را به شخص دیگر واگذار کند یا تحت نفوذ شخص ثالث باشد مگر در چارچوب اختیارات قانونی شرکت.^{۳۶}

۴-۲-۵. بند ۵ تبصره: افشای تعارض منافع؛ همان‌طور که قبلاً دیدیم این وظیفه یکی از بنیادی‌ترین تعهدات مرتبط با وظیفه وفاداری در حقوق کامن‌لاست. هرگاه مدیر در تصمیمی منافع شخصی دارد باید آن را افشا کند و از رأی دادن یا تصمیم‌گیری در آن مورد خودداری نماید که در ماده ۱۷۵ قانون شرکت‌های انگلیس به آن تصریح شده است.^{۳۷}

۴-۲-۶. بند ۶ تبصره: منع بهره‌برداری یا سوءاستفاده از دارایی، اطلاعات یا فرصت‌های شرکت؛ این بند دقیقاً با نظریه «منع تصاحب فرصت‌های شرکتی» در کامن‌لا هم‌پوشانی دارد. مدیر نمی‌تواند از فرصت‌های ناشی از سمت خود برای خود یا دیگران استفاده کند.

۴-۲-۷. بند ۷ تبصره: منع دریافت مزایا از اشخاص ثالث؛ این تعهد که در راستای جلوگیری از رخ دادن فساد و تضاد منافع میان مدیران و شرکت پیش‌بینی شده است در ماده ۱۷۶ قانون

33. Duty to Act within Powers.

34. Duty to Promote the Success of the Company.

35. Duty of Care, Skill and Diligence. (Smith v. Van Gorkom case, 488 A.2d 858 [Del.](#) 1985)

36. Duty to Exercise Independent Judgment.

37. Duty to Avoid Conflicts of Interest.



شرکت‌های انگلیس نیز صراحتاً پیش‌بینی شده و هر نوع هدیه، پاداش یا نفعی که از خارج از شرکت دریافت شود، متعلق به شرکت دانسته می‌شود.³⁸

۳-۴. آثار ناشی از تصاحب فرصت‌های متعلق به شرکت

اگر فرصت‌های قابل فعلیت برای شرکت را مال شرکت تلقی نموده و امانی‌بودن ید مدیر نسبت به اموال شرکت را بپذیریم، در صورت تصاحب فرصت به وسیله مدیر شرکت، ناگزیر از مسئول دانستن مدیر نسبت به استرداد منافع و جبران زیان‌های ناشی از تصاحب فرصت خواهیم بود؛ چه اینکه گویی مدیر شرکت با تفریط و تعدی در ایفای وظایف ناشی از ید امانی‌اش، مالی از اموال عینی شرکت را تلف نموده یا آن را به نفع خود تصاحب نموده و ضامن استرداد عین و منافع از دست‌رفته خواهد بود (شعبانی و فخلعی، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

همچنین مقررات مواد ۱۳۳ و ۲۵۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و مقررات دستورالعمل «حاکمیت شرکتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران - تصحیح شده ۱۴۰۳/۰۸/۰۷» به ویژه تبصره ۲ ماده ۷ آن تا حدود موجهی قابل انطباق بر تخلف ناشی از تصاحب فرصت‌های شرکتی از سوی مدیر بوده و از ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده در آن‌ها که شامل مجازات کیفری هستند نیز می‌توان در برخورد با این تخلف بهره جست. با تمام توصیفات فوق متأسفانه قانون‌گذار در تعیین ضمانت‌اجرای متناسب با تخلفات مدیران از وظایف امانی حتی در لایحه نهایی نشده قانون تجارت مصوب ۱۴۰۳ نیز تصریحی نداشته و در ماده ۵۹۹ آن صرفاً به طور کلی به مسئولیت فردی یا اشتراکی مدیران در برابر شرکت با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده اشاره کرده است که در مقایسه با ضمانت اجراهای متنوع و شدید موجود در نظام حقوقی کامن‌لا دچار خلأ جدی می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

از توجه به مبانی و مقررات مرتبط با مفهوم وظایف امانی و نظریه فرصت‌های شرکتی و مقایسه

38. Duty Not to Accept Benefits from Third Parties.



آن با مبانی و مقررات فقهی و حقوقی موجود در ایران می‌توان به روشنی دریافت که تناسب و همگرایی زیادی میان آن‌ها موجود است. از طرفی به جهت عدم توجه رویه قضایی و دکترین حقوقی به مسئله امانی بودن ید مدیران شرکت نسبت به فرصت‌های متعلق به شرکت، شاهد هستیم که این رفتار مخالف حسن نیت و وظایف امانی، ضمانت اجرای مدونی در حقوق کشورمان ندارد و همین امر به عنوان یکی از عوامل بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به نظام حاکمیت شرکتی و سوق دادن سرمایه‌های خود به سمت سوداگری و بازارهای غیرمولد است.

فارغ از اینکه با تحلیل‌های ارائه شده، مشخص گردید با مبانی موجود فعلی در حوزه مسئولیت مدنی، توجه دقیق به آثار ید امانی مدیران شرکت‌های تجاری و مقررات مرتبط با شرکت‌های تجاری می‌توان تا حد قابل توجهی با سوءاستفاده‌های احتمالی برخورد مناسب قانونی و قضایی نمود، با عنایت به حرکت نظام‌های حقوقی مختلف دنیا به سوی به رسمیت شناختن نظریه و تخصیص مقررات قانونی به آن، به قانون‌گذار پیشنهاد می‌گردد تا ضمن سرفصلی جداگانه، ضمانت اجرای مناسب حقوقی و کیفری متناسب با سوءاستفاده‌های احتمالی مدیران از فرصت‌های متعلق به شرکت را پیش‌بینی نماید. بدیهی است، اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران به تضمین تحصیل سود حداکثری ناشی از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بزرگ، منجر به رونق بیشتر فعالیت‌های تجاری و سودآوری بیشتر برای کشور خواهد شد.

۶- منابع

۱-۶. منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۵) حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری، چاپ ۸، ج ۲، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸) دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت (جلد اول) (حقوق تعهدات عقود و ایقاعات)، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۳. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۷۴) حقوق تجارت، ج ۲، تهران، نشر دادگستر.



۴. صفایی، سیدحسین و حبیب‌اله رحیمی، (۱۳۸۹) مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ اول، تهران، سمت.
۵. فروحی، حمید (۱۳۷۶). حقوق تجارت - شرکت‌های سرمایه‌ای، شخصی و مختلط، چاپ اول، تهران، روزبهان.
۶. کاتبی حسین‌قلی (۱۳۶۸). حقوق تجارت، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). حقوق مدنی، دوره عقود معین، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشار.
۸. منصور، صقری (۱۳۴۳). حقوق تجارت، تهران، چاپخانه علمی.

ب) مقالات

۱۴. الشریف، محمد مهدی و نصرالله جعفری خسروآبادی (۱۳۹۰). «حقیقت امانت»، مجله مدرسه حقوق، شماره ۶۷، صص ۲۶-۵۴.
۱۵. الشریف، محمد مهدی و فاطمه سعیدی (۱۳۹۷). «اذن عقدساز و اذن امانت‌ساز (کنکاشی پیرامون کارکردهای مختلف اذن)»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال پنجم، شماره دوم، صص ۲۷-۵۴.
۱۶. جنیدی، لعیا و معصومه اکبریان طبری (۱۳۹۷). «رابطه امانی مدیران در شرکتهای سهامی: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۴ (۲)، ۶۹-۹۶.
۱۷. شهبازی، محمدحسین، میثم اکبری دهنو و هانی حاجیان (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی عدم‌النفع در فقه و قوانین آیین دادرسی ایران» مجله حقوقی دادگستری، صص ۱۱۵-۱۴۴.
۱۸. شعبانی، مهدی و محمدعلی فخلعی (۱۳۹۰). «تحلیل فقهی وضعیت ید امین در حالت ترک تقصیر» فصلنامه علمی فقه و اصول، شماره ۴۳، صص ۱۲۵-۱۵۲.
۱۹. لطفی، اسدالله (۱۳۸۴). «قاعده استیمان در سقوط ضمان»، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۴۴، صص ۹۱-۱۲۲.
۲۰. مقدم، عیسی (۱۳۹۹). «تصاحب فرصت بستن قرارداد متعلق به شرکت تجاری توسط مدیر



و ضمانت اجرای آن (مطالعه در حقوق انگلیس و آمریکا و ایران)، فصلنامه مطالعات حقوقی
خصوصی، ۵۰، صص ۸۰۳-۸۱۸.

۲-۶. منابع انگلیسی

a) Books

1. Bainbridge, S. M. (2020). *Corporate Law* (4th ed.). Foundation Press, pp. 230, 276.
2. Black, H. (1891). *Black's Law Dictionary* (6th ed.). London: West Publishing Co.
3. Foerster, C., & Ferber, C. (2008). *Fiduciary Duties and Other Responsibilities of Corporate Directors and Officers* (4th ed.). United States of America, p. 119.
4. Gower, L. C. B. (1975). *Principles of Modern Company Law*. London: Sweet & Maxwell.
5. Mayson, D., French, D., & Ryan, C. (2011). *Company Law* (27th ed.). London: Blackstone Press Ltd., p. 57.
6. Simpson, A. W. B. (1987). *Legal Theory and Legal History: Essays on the Common Law*. London: Hambledon Press, p. 248.

B) Articles

7. Anabtawi, I., & Stout, L. (2006). "Fiduciary Duties for Activist Shareholders". *UCLA School of Law, Law & Economics Research Paper Series*, No. 08, p. 9.
8. Bainbridge, S. M. (2008). "Rethinking Delaware's Corporate Opportunity Doctrine". *UCLA School of Law, Law-Econ Research Paper No. 08-17*, p. 14. Available at: <https://ssrn.com/abstract=1296962>
9. Brudney, V., & Clark, R. C. (1967). "The Corporate Opportunity Doctrine". *Harvard Law Review*, 80(4).
10. Cary, W. L. (1952). "Conflict of Interest and Corporate Opportunity". *Harvard Law Review*, 31, 1325.
11. Gordon Smith, D. (2002). "The Critical Resource Theory of Fiduciary Duty". *Vanderbilt Law Review*, 55(5), 1413.
12. Gregory, W. A. (2005). "The Fiduciary Duty of Care: A Perversion of Words". *Akron Law Review*, 38(4), 181.
13. Hurt, C. (2023). *Feminist Judgments: Corporate Law Rewritten, Commentary on*



- Meinhard v. Salmon*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 191-220.
14. Jones, G. H. (1949). “The Fiduciary Principle”. *California Law Review*, 37(1).
15. Rauterberg, G. V., & Talley, E. L. (2017). “Contracting Out of the Fiduciary Duty of Loyalty: An Empirical Analysis of Corporate Opportunity Waivers”. *Columbia Law Review*, p. 1103.
16. Wade, C. L. (2012). “Corporate Governance Failures and the Managerial Duty of Care”. *St. Johns Law Review*, 78(4), 758.
17. Ying, J. (2009). “Guth v. Loft: The Story of Pepsi-Cola and the Corporate Opportunity Doctrine”. *UCLA School of Law*, May 8. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1414478

C) Cases

18. *Aberdeen Railway Co v. Blaikie Brothers* (1854) 1 Macq 461.
19. *Broz v. Cellular Info. Sys Inc*, 673 A.2d 148, 157 (Del. 1996).
20. *Durfee v. Durfee & Canning, Inc.* N.E.2d 522 (Mass. 1950).
21. *Guth v. Loft, Inc.* (1939). Delaware case.
22. *Meinhard v. Salmon*, 164 N.E. 545 (N.Y. 1928).
23. *Regal (Hastings) Ltd v. Gulliver* [1942] 1 All ER 378.

D) Laws and regulations

24. American Law Institute (1994). *Principles of Corporate Governance*, §5.05.
25. Companies Act 2006 (UK), Section 175.
26. Delaware General Corporation Law - DGCL. Available at: <https://delcode.delaware.gov/title8/c001/sc04/index.html> (§141 & §144).
27. Model Business Corporation Act (MBCA) §8.60–§8.63. Available at: https://www.americanbar.org/groups/business_law/resources/model-business-corporation-act/

E) Websites

28. <https://delcode.delaware.gov/title8/c001/sc04/index.html>- § 141. Board of



directors & § 144. Interested directors and officers

29. [https://www.americanbar.org/groups/business_law/resources/model-business-corporation-act/MBCA §8.60 - §8.63](https://www.americanbar.org/groups/business_law/resources/model-business-corporation-act/MBCA_§8.60-§8.63)

In Persians

A) Books

1. Eskini, Rabeea (2006). *Commercial Law: Commercial Companies*, 8th ed., vol. 2, Tehran: SAMT Publications, p. 178. {In Persian}
2. Firoozi, Hamid (1993). *Commercial Law – Corporations, Partnerships and Mixed Companies*, 1st ed., Tehran: Roozbehan Publications, p. 161. {In Persian}
3. Hosseini Gholi, Katebi (1989). *Commercial Law*, 3rd ed., Tehran: Ganj Danesh Publications, p. 83. {In Persian}
4. Katouzian, Nasser (1992). *Civil Law: Nominated Contracts*, vol. 1, 4th ed., Tehran: Enteshar Company, p. 74. {In Persian}
5. Katouzian, Nasser (2008). *General Theory of Law (General Principles)*, 3rd ed., Tehran: Enteshar Company, p. 256. {In Persian}
6. Mansour, Sagri (1964). *Commercial Law*, Tehran: Elmi Printing House, p. 183. {In Persian}
7. Mahmoud, Soljouqi (2009). *The Role of Custom in Iranian Civil Law and its Brief Study in Major Legal Systems*, 1st ed., Tehran: Mizan Publications, p. 77. {In Persian}
8. Safaei, Seyed Hossein & Rahimi, Habibollah (2010). *Civil Liability (Extra-contractual Obligations)*, 1st ed., Tehran: Samt Publications, p. 47. {In Persian}
9. Sotoudeh Tehrani, Hassan (1995). *Commercial Law*, vol. 2, Tehran: Dadgostar Publications, p. 151. {In Persian}

B) Articles

14. Goneidi, Laia & Akbarian Tabari, Masoumeh (2018). “Fiduciary Relationship of Directors in Joint-Stock Companies: A Comparative Study in Iranian and English Law”. *Comparative Law Studies Journal*, 14(2), pp. 69–96. doi: 10.22096/law.2019.34499 {In Persian}
15. Lotfi, Asadollah (2005). “The Rule of Trust in Extinguishment of Liability”.



- Tehran University Law Faculty Journal*, no. 44. {In Persian}
16. Moghamad, Isa (2020). “Appropriation of Corporate Contractual Opportunities by the Director and its Sanctions (A Study in English, American and Iranian Law)”. *Quarterly of Private Law Studies*, 50(4), pp. 803–818. [10.22059/jlq.2020.294574.1007316](https://doi.org/10.22059/jlq.2020.294574.1007316) {In Persian}
17. Shabani, Mahdi & Fakhlaei, Mohammad Ali (2011). “Fiqh Analysis of the Status of Trustee’s Hand in the Case of Negligence”. *Journal ...*, no. 43, p. 127. {In Persian}
18. Shahbazi, Mohammad Hossein; Akbari Dehno, Meysam; Hajian, Hani (2023). “A Comparative Study of Loss of Profit in Islamic Jurisprudence and Iranian Civil Procedure Law”. *Judicial Law Journal*, 87(121), pp. 115–144. doi: 10.22106/jlj.2022.544864.4578 {In Persian}
19. Sharif, Mohammad Mehdi & Jafari Khosroabadi, Nasrollah (2011). “The Reality of Trust”. *School of Law Journal*, no. 67. [10.22091/csiw.2016.735](https://doi.org/10.22091/csiw.2016.735) {In Persian}
20. Sharif, Mohammad Mehdi & Saeedi, Fatemeh (n.d.). “Authorization in Contracts and Authorization in Trust (A Study on the Different Functions of Authorization)”. *Comparative Studies in Islamic and Western Law Quarterly*, vol. 5, no. 2, p. 40. {In Persian}
21. Sharifi, Seyed Elham al-Din & Beheshti, Shaghayegh (2010). “Comparative Study of Insider Trading Prohibitions in EU, English, French and Iranian Law”. *Journal of Legal Research*, no. 17, p. 147. {In Persian}
22. Simaei Sarraf, Hossein (2014). “Comparative Study of Good Faith in Fiqh, Foreign Law and International Instruments”. *Teachings of Civil Fiqh*, no. 10, pp. 52–53. {In Persian}